

پروانه معصومی؛ بازیگر سریال «مینو» در گفت‌وگو با «صبا»:

# قصه مهم‌ترین عنصر است

کاربلد از تلویزیون رفته‌اند و شاید یکی از دلایل این اتفاق دستمزدهای پایین و بدحسابی‌های تلویزیون در نحوه تسویه حساب‌ها است. همین‌طور است.

خودتان چقدر با این مشکل مواجه بوده‌اید. این که مثلاً دستمزد کمی به شما تعلق گیرد یا در نحوه پرداخت‌ها بدحسابی و بدقولی کنند.

راستش من هرگز با چنین اتفاقاتی مواجه نشده‌ام و درگیر چنین مسائلی نبوده‌ام. خدا را شکر. شما جزو معدود بازیگرانی هستید که درگیر اتفاقات اینچنینی نبوده‌اید؛ برویم به سراغ سریال «مینو». از آن جایی که به‌طور معمول با کارگردان‌های مطرح همکاری کرده‌اید چطور شد که در این سریال حضور یافتید؟ زیرا امیرمهدی پوروزیری؛ کارگردان این اثر، در زمینه سریال‌سازی تجربه زیادی ندارد و بیشتر آثار مستند ساخته است و در کل برای اهالی تلویزیون و مخاطبان چهره شناخته‌شده‌ای نیست.

در ابتدا این را بگویم که قصه سریال «مینو» را خیلی دوست داشتم زیرا در ارتباط با جنگ است. در سریال «مینو» برای اولین بار به مقطعی از جنگ پرداخته می‌شود که تا به حال اثری درباره آن ساخته نشده است. سریال «مینو» از جایی به بعد با روزهای ابتدایی جنگ مصادف می‌شود و مصائب و سختی‌های اهالی خوزستان را به تصویر می‌کشد. نکته مهم‌تر این که سریال «مینو» درباره خانواده است. در اغلب آثار تلویزیونی که به جنگ پرداخته‌اند خانواده‌ها حضور کم‌رنگی دارند.

به نظرم چه در عرصه سینما و چه در مدیوم تلویزیون کلابه زن‌ها و تاثیر آن‌ها بر جنگ کمتر پرداخته شده است. شاید در سریال «مینو» این اتفاق افتاده و وجه دیگری از زنان آن سال‌ها را می‌بینیم.

به نظرم بهتر است بگویم ویژگی سریال «مینو» این است که به مقوله خانواده پرداخته است. اتفاقاً در آثاری که طی این سال‌ها ساخته شده نقش زنان را در جنگ، دیده‌ایم؛ همسران و مادران شهدا و پرستاران و زنانی که به‌نوعی در جنگ حضور داشته‌اند. به‌ر حال خانواده‌های بسیاری وجود دارند که زندگی‌شان را در جنگ از دست داده‌اند و جنگ بلائی جانشان شده است و اتفاق‌ها و قصه‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد. سریال «مینو» اثری عاشقانه است درباره خانواده‌هایی که همه اعضای آن‌ها درگیر جنگ می‌شوند. البته طی روند پخش هنوز به مقطع جنگ نرسیده‌ایم. یعنی در قصه هنوز به روزهای اول جنگ نرسیده‌ایم. با آغاز جنگ همه خانواده‌ها در عرض سه روز آواره می‌شوند و زندگی‌شان از دست می‌رود.

عشق نیز یکی از مقوله‌های تاثیرگذاری است که در سریال «مینو» به آن پرداخته شده است.

بله، همین‌طور است؛ و این که اثر به هیچ وجه شعارزده نیست، به اضافه این که آقای پوروزیری کارگردان سریال مستندساز هستند و این موضوع باعث شده که از پس فضای اثر بریایند و حالت مستندگونه‌تر را حفظ کنند. نکته دیگر این که همه حوادث قصه در بوستان «ولایت» واقع در تهران فیلمبرداری شده است. ما به خرمشهر نرفتیم و آقای پوروزیری با حداقل امکانات سریال را ساختند.

درباره ویژگی‌های نقشتان نیز کمی توضیح دهید.

آنچه برایم جذابیت داشت اول این بود که پس از مدت‌ها در اثری تلویزیونی حضور یافته‌ام. دوم این که نوع رابطه‌ای که در قصه با بچه‌هایم و همسر دارم برایم قابل توجه بود؛ به هر حال میان این زن و همسرش عشق عمیقی وجود دارد که باعث شده زن از خانواده‌اش ببرد و آن شرایط سخت را بپذیرد. او برای حفظ و انسجام خانواده نهایت تلاشش را می‌کند. او زنی واقعا ایرانی است.

نقش شما در سریال «مینو» چقدر با نقش‌های دیگران متفاوت است؟

نمی‌توانم بگویم نقش من در سریال «مینو» بسیار متفاوت است. این نقش با دیگر نقش‌هایی که آن‌ها را ایفا کرده‌ام خیلی متفاوت نیست اما تلاش کرده‌ام تا جای ممکن آن شخصیت را واقعی به تصویر بکشم و بازی رئالی داشته باشم.

آقای امیرمهدی پوروزیری چقدر در جهت ارتقای کیفیت نقش با شما تعامل داشتند؟

معمولاً در اوایل هر پروژه با کارگردان تعامل می‌کنم و درباره نقش با او گفت‌وگو می‌کنم. در سریال «مینو» نیز این روال وجود داشت و آقای پوروزیری تا جای ممکن با من مراوده داشتند.

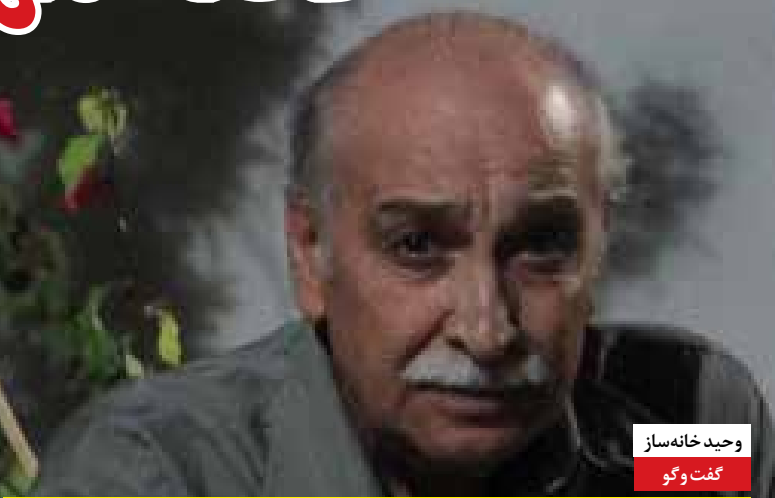
طی مدت پخش بازخورد مخاطبان نسبت به سریال چگونه بوده است؟

من در روستا زندگی می‌کنم و اهالی این‌جا کمتر تلویزیون نگاه می‌کنند. اما می‌دانم که سریال در تهران مخاطبان زیادی دارد و نظر اغلبشان این است که قصه سریال نو و تازه است و مهم این است که مردم اثر را دوست داشته باشند و آن را بپذیرند. و این که برخلاف برخی از آثارم که موفق به دیدن آن‌ها نشده‌ام یا نتوانسته‌ام، یا نخواستم آن‌ها را ببینم، سریال «مینو» را به‌طور مرتب دنبال می‌کنم. حتی پسرم راس ساعت ۲۲:۱۰ به دیدن سریال می‌نشیند که باعث خوشحالی است زیرا بچه‌های مانمی‌دانند که در سال‌ها و دهه‌های قبل چه بر ما گذشته است و ما باید این روند را حفظ کنیم تا نسل‌های بعد بدانند تاریخ ما چه بوده است. بی‌شک پسرم برای دیدن من سریال را نمی‌بیند، او قصه را دوست دارد.

در حال حاضر به کاری مشغول هستید؟

خیر، فعلاً در هیچ اثری حضور ندارم. و سخن آخر؟

از شما بابت این گفت‌وگو ممنونم.



وحید خانه‌ساز  
گفت‌وگو

سریال ۲۷ قسمتی «مینو» به تهیه‌کنندگی مهدی همایونفر و کارگردانی امیرمهدی پوروزیری یکی از آثار تازه شبکه دوم سیماست که قصه‌ای عاشقانه دارد و بازیگرانی چون عباس غزالی، پروانه معصومی، سیاوش طهمورث، محمود پاک‌نیت، سلمان فرخنده، مهدیه نساج، شیوا ابراهیمی و فرزین محدث در آن ایفای نقش می‌کنند.

سریال «مینو» که طی مدت کوتاهی جای خود را در میان مخاطبان پیدا کرده و مورد استقبال آن‌ها قرار گرفته، اثری عاشقانه است که قصه پرکشتی دارد و در برهه‌ای از تاریخ معاصر روایت می‌شود. این سریال در باره زندگی سه قهرمان به نام‌های مینو، عماد و رضا است. آن‌ها طی اتفاقاتی درگیر حوادث پیش از انقلاب هستند و آغاز جنگ تحمیلی در خرمشهر سرنوشت دیگری را برایشان رقم می‌زند و باعث می‌شود جای همه چیز و همه کس عوض شود.

پروانه معصومی بازیگر پر سابقه سینما و تلویزیون که فعالیت در عرصه بازیگری را از سال ۱۳۵۱ با فیلم «رگبار» ساخته بهرام بیضایی یکی از تاثیرگذارترین کارگردان‌های سینمای ایران آغاز کرده و طی این چند دهه در آثار بسیاری حضور یافته و با هنرمندان مطرحی چون زنده‌یاد جلال مقدم، ناصر تقوایی، رسول صدرعاملی، سیامک شایقی، خسرو ملک‌ان، خسرو معصومی، سیامک شایقی، داوود میرباقری، احمد امینی، سیروس مقدم و فریدون حسن‌پور همکاری کرده، درباره چگونگی حضورش در سریال «مینو» و چند و چون نقشش با «صبا» گفت‌وگو کرد.

شما در اوایل دهه ۵۰ یا به عرصه سینما گذاشتید و در اوایل دهه ۶۰ بازی در سریال «کوچک جنگلی» ساخته بهروز افخمی وارد تلویزیون شدید و پس از آن به فعالیتتان در عرصه بازیگری ادامه دادید و با کارگردان‌های مطرحی همکاری کردید، اما هیچ‌گاه در تلویزیون و سینما حضوری مستمر نداشته‌اید و شاید بتوان شما را جزو بازیگران کم‌کار دانست. دلیل این روند چیست؟

اصولاً اولین عنصری که به آن توجه می‌کنم قصه است. یعنی باید قصه را دوست داشته باشم تا در اثر مورد نظر حضور پیدا کنم. پس از قصه نیز نقش برایم اهمیت ویژه‌ای دارد. نقش باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا آن را بپذیرید؟

همیشه سعی می‌کنم نقشی را بپذیرم که در قصه حضور داشته باشد. منظورم این نیست که صرفاً در سراسر اثر حضور داشته باشد بی آنکه در روند قصه موثر واقع شود. حضور نقش در اثر باید به‌گونه‌ای باشد که نتوانیم از قصه حذفش کنیم. البته کارگردان و عوامل نیز برایم اهمیت دارند. به هر حال باید کارگردان را بشناسم و از نوع کار و سابقه‌اش باخبر باشم، اما همان‌طور که گفتیم مهم‌ترین موضوع برای من قصه و کیفیت آن است.

یعنی باتوجه به همه عناصر مهمی که درباره‌شان توضیح دادید در نهایت کیفیت قصه و فیلمنامه است که شما را به حضور در اثر ترغیب می‌کند؟

بله، همین‌طور است. باید قصه را دوست داشته باشم تا در اثری حضور یابم.

شما طی این چند دهه قطعاً پیشنهادهای زیادی داشته‌اید و آثار مختلفی را برای حضور تجزیه و تحلیل کرده‌اید. باتوجه به این موضوع بفرمایید کیفیت فیلمنامه‌ها و آثار به چه سمت‌وسویی رفته است؟

وضعیت فیلمنامه‌ها و قصه‌ها طی این سال‌ها سیر نزولی داشته و هرچه گذشته، کیفیت آن‌ها پایین‌تر آمده و بدتر و خراب‌تر شده‌اند.

به نظر تان دلیل این سیر نزولی و ضعف موجود چیست؟

نمی‌دانم نحوه انتخاب فیلمنامه‌ها در تلویزیون به چه صورت است به هر حال روال این‌گونه است که فیلمنامه‌ای به تلویزیون ارائه می‌شود و در نهایت تلویزیون با ساخت آن اثر موافقت می‌کند یا نمی‌کند. در این میان موضوع مهم آن است که فیلمنامه پیشنهادی ارزش تولید دارد یا خیر؟ و آیا می‌تواند نظر مخاطبان را به خود جلب کند یا در این زمینه ناموفق است؟

حق با شماست شاید لازم است که تلویزیون نسبت به نحوه انتخاب‌ها جدی‌تر عمل کند و با استفاده از تجربه افراد صاحب‌نظر نسبت به آینده اثر و چگونگی جذب مخاطب آن پیش‌بینی‌های لازم را به کار گیرد.

دقیقاً همین‌طور است اما در این میان نباید فیلمنامه‌نویسان را نادیده بگیریم. واقعیت این است که هم در سینما و هم در تلویزیون دست نویسندگان به‌نوعی بسته است زیرا این قشر از اهالی سینما و تلویزیون کمترین دستمزدها را می‌گیرند.

و بدین ترتیب اغلب نویسندگان ترجیح می‌دهند نگارش اثری را به عهده بگیرند که برایشان بار مالی قابل‌قبولی داشته باشد. اما مسئله دیگری که وجود دارد این است که اغلب فیلمسازان و نویسندگان

